



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

صفات مردانه در انگلیسی | ۳۰۰ کلمه انگلیسی برای توصیف مردان

🕒 ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ ارسال شده توسط علی بهادری 📁 مقالات زبان انگلیسی 👁 ۲۸.۶۸۸ بازدید



۳۰۰ کلمه انگلیسی برای توصیف مردان

کامل ترین لیست صفات مردانه در انگلیسی

					
romantic رمانتیک	charming فریبنده	bearded ریش دار	captivating اغواگر	cute بامزه	magnificent دارای جلال و شکوه

zabanmaster.com 

صفات مردانه در انگلیسی چیست؟

یادگیری صفات در آموزش زبان انگلیسی اهمیت بسیاری دارد و توصیف مردها نیز صفت‌های خاص خود را دارد؛ اول مهم ترین صفات مردانه در انگلیسی چند کلمه کاربردی را سریع یاد می‌گیریم:

کلماتی برای توصیف مرد جذاب

- **captivating** = اغواگر
- **charming** = فریبنده
- **cute** = بانمک، بامزه، کیوت
- **alluring** = جذب کننده، جذاب
- **fabulous** = درجه یک
- **magnificent** = دارای جلال و شکوه
- **compassionate** = دلسوز، دلرحم
- **athletic** = ورزشکار
- **bearded** = ریش دار
- **a gentleman** = یک جنتلمن
- **manly** = مردانه
- **muscular** = عضلانی
- **suave** = فهمیده
- **romantic** = رمانتیک
- **thoughtful** = با فکر
- **macho** = مردگونه

کلماتی برای توصیف مرد غیرجذاب:

- inseparable = آویزان
- mama's boy = بچه ننه
- ugly = زشت
- unattractive = غیرجذاب
- displeasing = خوش نیامدنی
- naive = ساده لوح
- manipulative = بازی دهنده (کسی که بقیه را بازی می دهد)
- incapable = بی عرضه
- babe in the woods = بچه خانگی
- yes-man (a) = بله قربان گو
- irresponsible = بی مسئولیت
- lazy = تنبل
- indecisive = مردد، دو دل
- cowardly = بزدل
- perverted = چشم چران
- toxic = سمی

با این حال توصیه می کنیم تا انتهای مقاله و با لیست کامل با ما همراه باشید تا بتوانید به شکل کامل مردان را با کلمات انگلیسی توصیف کنید. ضمناً، اگر به این مقاله علاقه یا نیاز دارید توصیه می کنیم حتما مقاله [کلمات انگلیسی برای توصیف زنان](#) را مطالعه کنید.

صفات انگلیسی برای توصیف یک مرد خوب – صفات مثبت

واژه	معنی
adaptable	انطباق پذیر
adventurous	ماجراجو
agreeable	سازگار
ambitious	جاه طلب، زیاده خواه
amiable	خوش برخورد و دوست داشتنی
approachable	گرم و صمیمی
articulate	دارای بیان فصیح و رسا
attentive	متوجه، کسی که توجه می کند
balanced	منصف، بدون تعصب
blameless	بی گناه، عاری از اشتباه
calm	آرام
candid	صادق و راستگو
carer (BrE)	کسی که مواظبت می کند، مواظب
caring	مهربان، حامی
charming	فریبنده، خوش آمدنی
committed	متعهد
communicator	کسی که در ارتباط با دیگران خوب است
compassionate	دلسوز، دلرحم، مهربان
composed	خون سرد و آرام
considerate	با ملاحظه
dear	عزیز
dependable	قابل اتکا
determined	دارای عزم جزم، با اراده
diplomatic	سیاس، کسی که سیاست دارد
direct	مستقیم، رک

disciplined	منظم، دیسپلین دار
discrete	متفاوت از بقیه
dutiful	وظیفه شناس
eager	مشتاق، پرانرژی
emotional	احساسی
empathetic	دارای احساس همدردی
energetic	پرانرژی
engaged	کسی که نامزد کرده
enterprising	بی پروا و باهوش (در انجام کارهای جدید مخصوصا کسب و کار)
enthusiastic	دارای اشتیاق زیاد
ethical	اخلاقی
excellent	عالی
fair	منصف
faithful	باایمان
fastidious	باریک بین
fatherly	پدرانه
focused	متمرکز
frank	رگ و راست گو
friendly	دارای رفتار دوستانه
fun	باحال
generous	سخاوتمند
genuine	واقعی
good	خوب
grateful	قدردان

واژه	معنی
hardworking	سخت کوش
helpful	کمک کننده
honest	راست گو، صادق
humble	متواضع
humorous	شوخ طبع، خوش خلق
impartial	بی طرف، بدون جبهه
incorruptible	غیرقابل فاسد شدن
inspiring	الهام بخش
intelligent	باهوش
interesting	جالب
intuitive	شهودی
judicious	دارای قوه قضاوت سلیم
keen	تیز و باهوش
kind	مهربان
learned	تحصیل کرده و مطلع
lighthearted	رقیق القلب
logical	منطقی
loving	عاشق پیشه
mature	بالغ
mediator	وساطت گر
methodical	مرتب، منظم و روشمند
meticulous	دقیق و باریک بین
moderate	میانه رو
modest	باحیا، مهجور
moral	اخلاقی

motivated	باانگیزه
neat	تر و تمیز
noble	ارجمند
objective	بی طرف
observant	مشاهده گر
open	باز
optimistic	خوش بین
orderly	منظم
passionate	دارای احساسات یا شهوت زیاد
patient	شکیبا، صبور
perceptive	حساس و باهوش
persevering	دارای استقامت
persistent	مُصِر
playful	بازیگوش، سرزنده و شوخ
pleasant	خوشایند
polite	مودب
positive	مثبت
powerful	قدرتمند
practical	عمل گرا
precise	دقیق
principled	اصولمند
proactive	کنش گر (کسی که فقط منتظر افتادن اتفاقات و واکنش نشان دادن نمی ماند)
professional	حرفه ای

واژه	معنی
protective	محافظت کننده
prudent	محتاط
punctual	وقت شناس، آن تایم
purposeful	هدفمند، دارای هدف
rational	منطقی
realist (a)	واقع گرا
reasonable	معقول، عاقل
reflective	متفکر
reliable	قابل اتکا
remarkable	قابل توجه، برجسته
reserved	کم حرف و کم بیان
resilient	مقاوم و با سرعت بهبود سریع
resourceful	خلاق، مبتکر، چاره جو
respected	دارای عزت و احترام
responsible	مسئولیت پذیر
responsive	پاسخگو
self-assured	به خود مطمئن
self-aware	آگاه به خود
self-disciplined	دارای دیسیپلین
selfless	فداکار
self-motivated	خود انگیزه
self-starter	بی نیاز از جهت و انگیزه (خودش می تواند آغاز کند)
sensible	معقول
sensitive	حساس
sincere	دارای صداقت، صادق، خالص

skilled	دارای مهارت
sociable	اجتماعی
solid	قابل اتکا، احترام و اطمینان
sporadic	غیر قابل پیش بینی
stable	دارای ثبات
steady	معقول و قابل اتکا، خونسرد و آرام
strong	قوی
supportive	حامی، پشتیبان
sympathetic	همدرد، دلسوز
tactful	باشعور
team-player	کسی که در کار گروهی خوب است، بازیکن تیمی
tenacious	سرسخت، ثابت قدم
thorough	دقیق و کامل
thoughtful	بافکر
tolerant	دارای تحمل بالا
true	واقعی
trusting	اعتماد کننده، (گاهها) ساده
trustworthy	قابل اعتماد
upbeat	سرحال، بشاش
versatile	همه فن حریف
virtuous	درستکار
warm	گرم
watchful	مواظب و مراقب
well-mannered	خوش رفتار

بقیه صفات مردانه در انگلیسی

کلمه	معنا
active	فعال
aloof	بی اعتنا، نجوش
alluring	جذب کننده، جذاب
athletic	ورزشکار، ورزشکاری
attractive	جذاب
beautiful	زیبا
bald	کچل
captivating	فریبنده، کسی که اسیرش می شوید
charismatic	کاریزماتیک
bold	شجاع، جسور
brash	گستاخ
charming	فریبنده، خوشایند
classy	باکلاس
confident	با اعتماد به نفس
elegant	برازنده، سنگین و خوشایند
energetic	بانرژی
enticing	اغواکننده
fit	روی فرم (دارای بدن خوب)
gorgeous	دوست داشتنی
graceful	با جلال و شکوه
gregarious	اجتماعی
groomed	تر و تمیز
handsome	خوشتیپ
happy	خوشحال
husky	رشید، خوش هیكل و جذاب

majestic	اشرافی
mighty	بسیار قدرتمند یا قوی
muscular	عضلانی
polished	اتوکشیده
proud	مغرور
refined	مودب، با تربیت
sensual	نفسانی، جسمانی، شهوانی
sexy	سکسی، جذاب
strong	قوی
able	توانا
accomplished	بسیار با تجربه و ماهر
accountable	پاسخگو، مسئول
achiever	موفق
active	فعال
adaptable	انطباق پذیر
adept	ماهر، کارشناس
alert	هوشیار
analytical	تحلیلگر
assertive	با اعتماد به نفس
astute	باهوش
attentive	با دقت
bright	باهوش
broad-minded	دارای ذهن باز و فکر گسترده

واژه	معنا
calculating	حسابگر (صفت منفی)
capable	توانا
careful	با دقت، دقیق، مراقب
cautious	هوشیار، آگاه، حواس جمع
changeable	متغیر
cheerful	خوشحال، مسرور
circumspect	محتاط، ملاحظه کار
clever	باهوش
collaborative	کسی که در همکاری خوب است، کسی که همکاری می کند
competitive	رقابتی، رقابت جو
complicated	پیچیده
confident	با اعتماد به نفس
conscientious	با وجدان، وظیفه شناس
conservative	ملاحظه کار
consistent	ثابت قدم
constructive	سازنده
controversial	جنگالی
cool	باحال، خفن
courageous	شجاع
creative	خلاق
curious	کنجکاو
diligent	پرتلاش
direct	رگ و راست
discerning	فهمیده
driven	بانگیزه

dynamic	پرانرژی و با ایده های جدید
eager	مشتاق
easy-going	راحت، کسی که سخت نمی گیرد
effective	تاثیرگذار
efficient	موثر، کارآ، کارآمد
emotional	احساسی
encouraging	مشوق، تشویق کننده
entrepreneurial	دارای روحیه کارآفرینی
evolved	تکامل یافته، کامل، متحول شده
excited	هیجان زده
extroverted	برون گرا
facilitator	تسهیل کننده، کارگشا
fair	منصف
faithful	باایمان
fastidious	سخت گیر، باریک بین
funny	بامزه
gentle	آرام
good	خوب
goofy	احمق، دست و پا چلفتی
imaginative	خلاق، دارای قوه مخیله قوی
independent	مستقل
individual	منحصربه فرد
industrious	ساعی، سخت کوش، کارکن
initiator	پیشقدم، مبتکر
innovative	مبتکر

کلمه	معنا
insightful	دارای درک و بصیرت
inspired	تحریک شده از لحاظ روانی برای انجام کاری یا داشتن حسی
intense	پراحساسات، تند و تیز
introverted	درون گرا
inventive	مبتکر، خلاق
knowledgeable	دانا، دارای دانش
leader	رهبر
level-headed	خونسرد و دارای توانایی رویارویی با چالش ها
loud	پرسرو صدا
loyal	وفادار
optimistic	خوشبین
organized	مرتب و منظم
original	نوآور، نوآورانه، کسی که تقلید نمی کند
persuasive	قانع کننده، متقاعدگر
polite	مودب
productive	سازنده
quick-learner	کسی که سریع یاد می گیرد
quick-witted	تیزهوش
quiet	آرام و ساکت
respectful	کسی که احترام می گذارد
shy	خجالتی
simple	صاف و ساده
sophisticated	کارگشته، دانا، باتجربه و پیچیده
spontaneous	غیرقابل پیشبینی، بدون برنامه و یکهویی (کسی که کارها را اینطور انجام می دهد)

spritely	سرزنده، چابک، بانشاط
subtle	زیرک
successful	موفق
systematic	نظام مند
talented	بااستعداد
traditional	سنتی
unaffected	بی پیرایه
unassuming	ساده و بی شیله پيله، کسی که نیازی به توجه و تمجید ندارد
unconventional	خلاف عرف، متفاوت با بقیه
unique	تک، یکتا
unpretentious	نامتظاهر، خالی از تظاهر و دورویی
vibrant	پراز زندگی، انرژی و اشتیاق
visionary	فرد دارای چشم انداز
zealous	متعصب
zesty	سرزنده

سخن آخر

یادتان باشد قرار نیست تمام صفات مردانه در انگلیسی را یک روزه، دو روزه یا حتی ده روزه یاد بگیرید. یادگیری واژگان به شکل ماندگار و عمیق طول می کشد و باید به خود و کلمات زمان دهید. توصیه می کنیم این مقاله را چندین بار تکرار و مرور و تمرین کنید. این درس، تنها یک درس از مجموعه ارزشمند آموزش رایگان زبان انگلیسی زبان مستر است؛ توصیه می کنیم اگر می خواهید انگلیسی را به شکل پله پله یاد بگیرید و پیشرفت کنید، حتما درسهای دیگر را نیز مطالعه و تمرین کنید. به امید دیدار!